



انجمن علمی فخر جزای تطبیقی ایران

Journal of

Comparative Criminal Jurisprudence

www.jccj.ir



فصلنامه فخر جزای تطبیقی

Volume 2, Issue 5, 2023

Restorative Responses in Support of Victims of Crimes against Humanity and the Crime of Genocide

Daryush Sinaeian ¹, Hossein Fathabadi ^{2*}, Abbas Sheikholeslami ³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 121-129

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0001-6748-5220

TELL: +985136622500

Email: fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

Article history:

Received: 17 Oct 2022

Revised: 08 Dec 2022

Accepted: 12 Dec 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Restorative Justice, Crime against Humanity, Genocide.

ABSTRACT

Restorative justice is a form of criminal justice based on "compensation." Compensation means trying to repair the deplorable effects of crime and losses, whether in full or symbolic. Today, the issue of repairing and compensation of victims of international crimes is important. Due to the silence of the statutes and legal texts of the Special International Criminal Court on the rights of the victims and the repair of their damages, it is now time to organize a special legal and criminal regime to "repair" the damages inflicted on the victims of international crimes. In addition to resorting to restorative processes in the prosecution of international crimes, especially with regard to the Truth and Reconciliation Commissions which lead to the granting of amnesty to criminals, other restorative methods such as training victims and their participation in cases are also indicated. However, restorative justice in crimes against humanity and genocide is still a new thing, but a comprehensive plan must be developed and implemented internationally to compensate victims.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Sinaeian, D; Fathabadi, H & Sheikholeslami, A (2023). "Restorative Responses in Support of Victims of Crimes against Humanity and the Crime of Genocide". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 121-129.



انجمن علمی فقه جزای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه جزای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه جزای تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

پاسخ‌های ترمیمی در حمایت از بزهديگان جنایت علیه بشریت و جرم نسل کشی

داریوش سیناییان^۱، حسین فتح‌آبادی^{۲*}، عباس شیخ‌الاسلامی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. دانشیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

عدالت ترمیمی، نوعی عدالت کیفری مبتنی بر «جبران» است. جبران به معنی تلاش برای ترمیم آثار اسفبار جرم و ضرر و زیان‌های ناشی از آن خواه به صورت کامل و یا به صورت سمبولیک باشد. امروزه موضوع ترمیم و جبران خسارت بزهديگان جرایم بین‌المللی دارای اهمیت است. بهدلیل سکوت اساسنامه و متون حقوقی دادگاه‌های کیفری بین‌المللی ویژه درخصوص حقوق بزهديگان و ترمیم خسارت‌های وارد به آنها، هم‌اکنون نوبت به سازماندهی یک رژیم حقوقی – کیفری ویژه برای «ترمیم» خسارات وارد به بزهديگان جرایم بین‌المللی می‌رسد. در کنار توسل به فرآیندهای ترمیمی در رسیدگی به جنایات بین‌المللی بالاخص درخصوص کمیسیون‌های حقیقت‌یابی و آشتی که منتهی به اعطای عفو به بزهکاران می‌گردد، روش‌های ترمیمی دیگری از جمله آموزش به قربانیان و مشارکت آنها در پرونده‌ها نیز قابل اشاره است. با این همه هنوز عدالت ترمیمی در جنایت علیه بشریت و نسل کشی نوپا بوده اما باید در سطح بین‌المللی برنامه‌ای جامع و کامل برای جبران آسیب دیدگی و خسارت قربانیان تدوین و اجرایی کرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۲۹-۱۲۱

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارجاعی: ۵۲۲۰-۵۶۷۴۸-۰۰۹-۰۰۰

تلفن: +۹۸۵۱۳۶۶۲۲۵۰۰

ایمیل: fathabadi.h@mshdiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

وازگان کلیدی:

عدالت ترمیمی، جنایت علیه بشریت، نسل کشی.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

خواهد گرفت، درحالی که بر مبنای رویکرد دوم، عدالت ترمیمی در کنار یا در قالب عدالت کیفری سنتی همراه با اصلاح و القای اصول ترمیمی به آن، برای حل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب جرم به کار می‌رود. رویکرد نابخواه بیشتر به فرایندهای ترمیمی و رویکرد بیشینه‌خواه بر برآیندهای ترمیمی تأکید دارد که البته در عمل بنا به اقتضایات هر موقعیت خاص، ممکن است یکی از این دو بر دیگری ترجیح داده شود.

دادرسی در دادگاههای کیفری موقت و دیوان کیفری بین‌المللی عمداً مبتنی بر فرآیندهای سزاده‌ی است، لذا در رسیدگی‌های این محکمه صحبت از فرآیندهای ترمیمی مشکل است، اما آن‌گونه که گرایش بیشینه‌خواه بر آن تأکید دارد، می‌توان از فرآیندهای سنتی کیفری نیز در راستای دستیابی به برآیندهای ترمیمی بهره جست. شناسایی مسؤولیت فردی بزهکاران، از بین بردن انتقام‌گیری توسط بزه‌دیدگان، ایجاد زمینه برای ایجاد صلح و آشتی و ثبت و ضبط جنایات ارتکاب یافته، چهارکارکرد دادرسی‌های کیفری بین‌المللی هستند. اما در عین حال تاکنون کامل و جامع نبوده و لذا نیازمند تغییرات اساسی و برنامه‌های جامع و کامل در این زمینه در حقوق بین‌الملل است.

۱- مفاهیم کاربردی پژوهش

در این بخش، ابتدا مفهوم عدالت ترمیمی به اختصار توضیح داده شده و سپس به مفهوم جرم نسل کشی و جنایت علیه بشریت اشاره خواهد شد.

۱-۱- مفهوم عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی با مجموعه‌ای از اصول مفاهیم و روش‌هایی که اصولاً مبتنی بر احیای حقوق بزه‌دیده و ایجاد زمینه مشارکت فعال وی و جامعه در فرایند اجرای عدالت در امور کیفری است (آشوری، ۱۳۸۸: ۷۱۴/۱) و نیز با ارائه تبیینی متفاوت از نقش‌ها و مسؤولیت‌های سهامداران عدالت، امروزه به عنوان رقیب عدالت کیفری سنتی ظهر و بروز داشته است. برخی نویسنده‌گان نیز آن را به عنوان جایگزین عدالت کیفری معرفی نموده و جایگزین شدن آن را به عنوان راه حلی برای تمام دعاوی داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی نموده‌اند (Mankel,)

جنایات ارتکابی در قرن بیستم که منتهی به بزه‌دیدگی میلیون‌ها تن در سرتاسر جهان شد، لزوم اتخاذ تدبیر کارآمد را برای پیشگیری از تکرار این فجایع مطرح نمود. نخستین نمونه‌های دادگاههای بین‌المللی را می‌توان در تشکیل محکمه‌های نورنبرگ و توکیو دانست. بعدها در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ به موجب قطعنامه شورای امنیت برای رسیدگی به جنایات ارتکابی در یوگسلاوی سابق و روندا نیز محکمه‌های بین‌المللی تشکیل شد، تا اینکه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در اول ژوئیه سال ۲۰۰۲ میلادی لازم‌الاجرا شد. با لازم‌الاجرا شدن این کنوانسیون، زمینه برای ایجاد محکمه دائمی بین‌المللی فراهم شد، امری که می‌تواند پدیده بی‌کیفرمانی را محدود کند. اما شاید نتواند عدالت ترمیمی را آنگونه که باید و شاید به اجرا بگذارد.

عدالت ترمیمی، مخالفت خود را با عدالت سزاده‌نده، از مفهوم بزه آغاز می‌کند. عدالت ترمیمی بزه را به عنوان یک عمل علیه نظام اجتماعی، روابط انسانی و نقض حقوق افراد تعریف می‌کند. در مقابل، عدالت سزاده‌نده بزه را نقض هنجارهای اجتماعی و اخلال در نظم آن می‌داند. این موضوع، در تعریف جرم از منظر حقوق کیفری بین‌المللی نیز قابل طرح است. ازین‌رو اگر جنایات بین‌المللی از منظر عدالت ترمیمی تعریف شود، باید آن‌ها را راجع به اختلال حاصله در روابط اعضای جامعه محل ارتکاب جرم دانست درحالی که از منظر عدالت سزاده‌نده، جنایات بین‌المللی با توجه به نقض هنجارهای بین‌المللی و اختلال در نظم جهانی تعریف خواهد شد.

هدف اصلی نظریه عدالت ترمیمی در مراحل نخستین، حمایت از منافع بزه‌دیده بوده است. در تحولات بعدی، نظریه‌پردازی جامع‌تر ارائه شد و سرنوشت بزهکار، وضعیت جامعه محلی و حتی مصالح کل جامعه نیز در مراحل مختلف رسیدگی و حتی تعیین و اجرای مجازات مورد توجه قرار گرفت. در درون جنبش طرفدار عدالت ترمیمی، دو گرایش عمده از هم تفکیک می‌شود: از یکسو، رویکرد «نابخواه» و از سوی دیگر، رویکرد «بیشینه‌خواه». رویکرد نابخواه معتقد است که عدالت ترمیمی به تدرج جای نظام کیفری سنتی را

نهادهای قانونی پلیسی قضایی) مرتبط و درگیر می‌کند» (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲: ۲۲).

بنابراین در تعریف مارشال داوطلبانه بودن شرکت در فرایند، مذاکره و تصمیم‌گیری مشترک با مداخله یا نظارت مقام‌های رسمی یا میانجی یا شخص بی‌طرفی که تسهیل کننده یا پیش‌برنده گرد همایی طرفین و جریان مذاکره و دستیابی به راه حل محسوب می‌شود، یافتن پاسخ اجتماعی - ترمیمی به جرم و آثار آن و نیز پرداختن به علل ارتکاب جرم و کمک به بزه‌کار در اجرای تعهداتش نسبت به بزه‌دیده و جامعه محلی، خصایص اصلی فرایند عدالت ترمیمی را تشکیل می‌دهد.

عدالت ترمیمی بر اهمیت ارتقا توجه به نقش بزه‌دیدگان و اعضای جامعه از رهگذرنگی نمودن فعالانه‌تر آنان در فرایند عدالت ترمیمی تأکید داشته بزه‌کاران را مستقیماً در برابر بزه‌دیدگان و جوامعی که مورد آسیب و زیان قرار گرفته‌اند مسؤول می‌داند. عدالت ترمیمی آسیب‌های معنوی و مادی بزه‌دیدگان را ترمیم کرده و طیفی از فرصت‌های مناسب را برای گفت‌و‌گو، مذاکره و حل‌وفصل مشکل هر زمانی که امکان داشته باشد، فراهم می‌آورد. این فرصت‌ها احساس بیشتری از امنیت و آرامش جامعه، هماهنگی اجتماعی، صلح و آشتی را برای تمام کسانی که درگیر در مسأله هستند به ارمغان می‌آورد (شیری، ۱۳۸۵: ۲۴).

۱-۲- نسل کشی

ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در تعریف جرم نسل کشی اشعار می‌دارد: «منظور از جنایت نسل کشی، یکی از اعمال مشروح زیر است که به قصد نابود کردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابد: الف، قتل اعضای گروه؛ ب، ایراد آسیب شدید به تمامیت جسمی یا روحی اعضای گروه؛ ج، قراردادن عمدی گروه در شرایط زیستی نامناسب که منجر به نابودی جسمی کامل یا بخشی از گروه شود؛ د، اقداماتی به منظور جلوگیری از توالد در گروه؛ و، انتقال اجباری اطفال گروه به گروه دیگر.»

از سوی دیگر ماده ۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۱۱ اساسنامه دادگاه ویژه عراق نیز تعریف فوق‌الذکر را تکرار کرده‌اند؟ دیوان بین‌المللی دادگستری اولین مرجع

10: 2007). عدالت ترمیمی می‌کوشد تا با ایجاد سازش و آشتی میان بزه‌دیده و خانواده او از یک طرف و بزه‌کار از طرف دیگر و ضمن تأمین حقوق بزه‌دیده، بین طرفین زمینه صلح پایدار را فراهم می‌کند (رهامی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

اولین استفاده از اصطلاح عدالت ترمیمی در مفهوم جزایی توسط آبرت اگ لش در سال ۱۹۵۸ بود؛ جایی که وی سه مدل پیشنهادی برای عدالت جزایی داشت: اول، مدل کیفر محور؛ دوم، مدل درمان محور و سوم، عدالت ترمیمی که بر پایه جبران است و برخلاف دو مدل قبل هم بزه‌کار و هم Vanness & Heet: (2013: 23) مدنظر قرار داده است. درخصوص تعریف این مفهوم تواافق وجود ندارد زیرا مفهومی موسع بوده و دارای جنبه‌های گوناگونی است که کدام از نویسندها با تأکید بر یکی از این ابعاد به تعریف این مفهوم پرداخته‌اند.

هوارد زهر^۱ با تأکید بر کارکرد عدالت ترمیمی آن را اینگونه تعریف می‌کند: «عدالت ترمیمی فرایندی است که برای درگیر نمودن کسانی که در یک جرم خاص سهیم‌اند- تا آنجا که امکان‌پذیر است - تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان‌ها و تهدیات جهت ایام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه‌ای که امکان‌پذیر است اقدام نمایند» (Zehr, & Mika: 2003: 42)

تونی مارشال نویسنده و جرم‌شناس انگلیسی عدالت ترمیمی را این گونه تعریف کرده است: «عدالت ترمیمی فرایندی است که در آن کلیه کسانی که درخصوص یک جرم خاص سهیمی دارند، گرد هم می‌آیند تا به طور جمعی درباره چگونگی برخورد با آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن برای آینده تصمیم گرفته و راه حلی بیابند» (Vanness & Heet: 2013: 23).

و در جایی دیگر این تعریف را ارائه داده است که «عدالت ترمیمی یک رویکرد مبتنی بر حل‌وفصل نسبت به جرم است که طرف‌های ذی‌نفع یا به‌طورکلی جامعه جامعه محلی و در موارد جرائم شدید جامعه در سطح (کلان را در یک رابطه فعال با

¹ - Howard Zehr

قدیمی در چهره جدید آن معنا بیخشند. این واژه از لغت یونانی «تزاد و قبیله Genos» و کلمه لاتین «کشتن Cide» گرفته شده است. به طو کلی، نسل کشی جز در موردی که اقدام مرتكبان با کشtar دسته جمعی افراد آن ملت همراه است، لزوماً به معنای نابودی بنیان های ضروری زندگی گروه های ملی با هدف از بین بردن خود گروه تشکیل می شود. نسل کشی علیه گروهی ملی که موجودیتی مستقل دارد انجام می گیرد و ارتکاب اقدامات مورد بحث نه به دلیل شخصیت فردی قربانیان بلکه به واسطه عضویتشان در گروه ملی ارتکاب می یابد.» (عزیزی، ۱۳۸۷: ۱۳۷).

از نظر لمکین، نسل کشی یعنی نابودی یک ملت یا یک قوم و منظور از نسل کشی ضرورتاً نابودی فوری یک ملت نیست بلکه مراد طرحی است مشتمل بر یک سلسله اعمال متفاوت که بنیادهای اساسی حیات گروه های ملی را به ویرانی می کشد تا در نهایت به انها این گروه ها بیانجامد. هدف چنین برنامه ای از هم پاشیدن نهادهای سیاسی و اجتماعی، فرهنگ، زبان، احساسات ملی، دین و موجودیت اقتصادی گروه های ملی و نابودی امنیت شخصی، آزادی تندرستی، شایستگی و همچنین حیات افرادی است که به این گروه ها تعلق دارند. نسل کشی توجه به حیات یک گروه ملی به عنوان یک موجود دارد و موجب اعمالی می شود که متوجه افراد نه به لحاظ برخورداری از اهلیت فردی بلکه به عنوان اعضای گروه ملی است (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

تلاش های خستگی ناپذیر لمکین و حمایت مؤثر افکار عمومی و فشار مطبوعات و رسانه های مهم آن دوران موجب شد تا مسئله نسل کشی و تصویب کنوانسیونی در جهت جلوگیری از ارتکاب آن در آینده و مجازات مرتكبان احتمالی آن، از بد و تأسیس ملل متحده در دستور کار این نهاد قرار گیرد (عزیزی، ۱۳۸۶: ۱۳۷).

مفهوم نسل کشی به عنوان جنایت بین المللی نخستین بار به هنگام تدوین اساسنامه دادگاه نظامی بین المللی نورنبرگ مطرح شد. هرچند در اساسنامه به جای نسل کشی، وصف عام جنایات علیه بشریت به کار رفته است و در رأی دادگاه نیز اشاره ای به این مقوله نشده است، و با آنکه در اساسنامه ارتباط جنایات علیه بشریت با جنایات جنگی یا جنایات علیه صلح

قضایی است که عرفی بودن کنوانسیون نسل زدایی را در رأی مشورتی «حق شرط به کنوانسیون و مجازات جنایت نسل زدایی» شناسایی کرده است:

«منشاء تدوین کنوانسیون نشان می دهد که نیت سازمان ملل متحده آن بوده تا نسل زدایی را به عنوان عملی که در حقوق بین الملل جرم است محکوم نموده و مرتكبان آن را مجازات نماید. جرمی که متنضم انکار حق وجود کل گروه های انسانی است انکاری که وجود بشریت را جریحه دار تلفات عظیمی به بار آورده و مخالف قواعد اخلاق و روح و اهداف سازمان ملل متحده است» (قطعنامه شماره ۹۶ مجمع عمومی ملل متحده). اولین نتیجه ای که از این مفهوم متصور می گردد آن است که قواعد مندرج در کنوانسیون، اصولی هستند که از سوی ملل متحده شناسایی شده اند و برای دولتها حتی بدون وجود تعهدات قراردادی الزام آورند. نتیجه دوم به ویژگی جهانی محکومیت نسل زدایی و ضرورت همکاری دولتها در این رابطه مربوط می شود تا بشریت را از این بلای نفرت انگیز رهایی بخشنند.

در سال ۱۹۳۳ رفائل لمکین، حقوقدان لهستانی در پنجمین «کنفرانس وحدت حقوق جزای بین الملل» که در مادرید برگزار شد، وجود دودسته اعمال جنایی را که به قصد انها گروه های نژادی، مذهبی و ملی ارتکاب می یابد، به عنوان «جرائم علیه حقوق بشر» به اثبات رساند. به این ترتیب در ابتدا اعمالی که نسبت به شخص یا نسبت به حیات اقتصادی اعضا اجتماعات بشری به شمار می رود «جرائم قساوت» و اعمالی که به قصد انها ارزش های فرهنگی جوامع انسانی صورت می گیرد، «جرائم توحش» نامیده شدند (دونوون دوروزل، ۱۳۵۴: ۶۲). نخست وزیر بریتانیا در اوت ۱۹۴۱ با اشاره به جنایات روی داده اعلام نمود که: ما در حال حاضر شاهد ارتکاب جرمی فاقد نام هستیم. رفایل لمکین که با آغاز جنگ جهانی دوم از لهستان گریخته بود و به ایالات متحده پناهنده شده بود، چندی بعد از شنیدن سخنان چرچیل نخست وزیر وقت انگلستان اعلام نمود که در توصیف این جنایات واژه «نسل کشی - Genocide» را انتخاب نموده است. وی در تعریف این واژه گفت:

«مقصود ما از واژه نسل کشی، نابودی یک گروه ملی یا نژادی می باشد. این واژه از سوی نویسنده ابداع گردیده است تا به عملی

بودن جمعیت شرطی است که در اساسنامه دادگاههای بین‌المللی کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا نیز به ترتیب در مواد ۵ و ۳ وجود دارد. ارتکاب مصاديق فوق الذکر بر علیه نظامیان می‌تواند جزو جنایات جنگی طبقه‌بندی شود چون نظامیان یک کشور در حال جنگ تحوت حمایت حقوق بین‌الملل بشر دوستانه قرار دارند.

۲- سازوکارهای عدالت ترمیمی برای قربانیان

بسیاری از انواع اعمال نادرست در جریان جنایات جمعی رخ می‌دهد و راههای مختلفی نیز ممکن است برای پاسخگویی به عاملان آن در دسترس باشد. برخی از ابزارهای قانونی بر مسؤول دانستن مجرمان در مقابل جنایات، تخلفات و سوء استفاده‌هایی که علیه غیرنظامیان مرتکب شده‌اند، تمرکز می‌کنند. این ابزارهای قانونی ممکن است شکل مستقیمی از عدالت را برای قربانیان فراهم کنند. سایر ابزارهای قانونی بر مسؤول دانستن افراد برای سایر اعمال غیرقانونی که ممکن است به‌طور مستقیم کمتر قربانیان را تحت تأثیر قرار داده باشند، تمرکز دارند. در چارچوب تلاش‌ها برای پیگیری عدالت برای جنایات، این دسته دوم از ابزارهای قانونی ممکن است به ایجاد فشار بر تصمیم‌گیرندگان برای اجرای عدالت کمک کند. در این بخش نمونه‌هایی از هر نوع ابزار مورد بحث قرار می‌گیرد.

۳- استفاده از قوانین و مقررات داخلی

عدالت کیفری بین‌المللی از اوایل دهه ۱۹۹۰ به طور قابل توجهی توسعه یافته است و فرآیندهای جنایی را افزایش داده است. از آنجایی که بسیاری از نظامهای داخلی عدالت ترمیمی را به عنوان جایگزین یا مکمل عدالت خصمانه ارائه می‌کنند، تلاش دیوان بین‌المللی کیفری برای تقویت سیستم‌های قضایی داخلی می‌تواند عناصر کلیدی عدالت ترمیمی را که استانداردهای بین‌المللی را برآورده می‌کند، شناسایی کند. ایده مبتکرانه مکمل بودن (صلاحیت تکمیلی دیوان) در اساسنامه رم نویبخش تقویت راههای متعدد جبران خسارت و پیشگیری از خشونت در محیط‌های بین‌المللی، ملی و محلی است. بر این اساس برگزاری دادگاه در کشور دارای صلاحیت می‌تواند زمینه جبران خسارات وارد داشته باشد.

شرط شده است، با این حال در سال‌های بعد بود که مفهوم نسل کشی رفتہ‌رفته استقلال خود را نسبت به جنایت علیه بشریت کسب کرد.

۳-۱- جنایت علیه بشریت

در سال ۱۹۱۵ پس از قتل عام ارامنه توسط دولت عثمانی اعلامیه مشترکی توسط سه کشور انگلستان و روسیه و فرانسه صادر شد و این قتل عام را جنایت علیه بشریت و تمدن معرفی کردند. این اصطلاح برای اولین بار بود که در اسناد رسمی بین‌المللی استفاده می‌شد. پس از جنگ جهانی دوم، جنایت علیه بشریت به همراه جنایت جنگی و جنایت علیه صلح موضوع صلاحیت دادگاههای نورنبرگ و توکیو قرار گرفت. برخلاف جنایت جنگی که علت جرم‌انگاری ریشه در عمل مقابله دارد، مبنای جرم‌انگاری جنایت علیه بشریت، حمایت از حقوق بشر است. در ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری جنایت علیه بشریت تعریف شده است که شباخت زیادی با بند "ج" ماده ۶ منشور نورنبرگ، ماده ۵ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری یوگسلاوی و ماده ۳ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری رواندا دارد.

ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، جنایت علیه بشریت را اینگونه تعریف کرده است: «منظور از جنایات ضد بشریت در این اساسنامه هریک از اعمال مشروحة ذیل است، هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیرنظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می‌گردد. قتل؛ ریشه کن کردن؛ به بردگی گرفتن؛ اخراج یا انتقال اجباری یک جمعیت؛ حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین‌الملل انجام می‌شود؛ شکنجه؛ تجاوز جنسی، برده‌گیری جنسی، فاحشگی اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی همسنگ با آنها؛ تعقیب و آزار مداوم هرگروه یا مجموعه مشخصی به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسی یا علل دیگر ...»

در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری ضمن معرفی مصاديق جنایت علیه بشریت به دو شرط غیر نظامی بودن جمعیتی که مورد حمله قرار گرفته است و گسترده بودن و یا سازمان یافته بودن حمله اشاره شده است. غیر نظامی

منافع همه را برآورده کند، همیشه امکان‌پذیر نیست. با تشکیل ائتلاف‌های قربانی محور، گروه‌های قربانی می‌توانند به طور خصوصی برای همسو کردن دیدگاه‌ها، اولویت‌ها و اهداف خود در جوامع مختلف کار کنند. این همسویی می‌تواند فرآیند را ساده کند و تصمیم‌گیری حاکمیت را آسان‌تر کرده تا گام‌هایی را به نفع قربانیان بردارند.

سوم اینکه ائتلاف‌ها می‌توانند منابع موجود و مهارت‌های در دسترس را تجمیع نمایند. هر سازمان مشارکت کننده در ائتلاف، دارای مزیت‌های نسبی مختلف و توانایی‌های متمازی برای تحقق عدالت است. با تشکیل یک ائتلاف، سازمان‌ها، منابع و مهارت‌های خود را با هم ترکیب می‌کنند که به کل ائتلاف اجازه می‌دهد تا از توانایی‌های متعدد هر سازمان در داخل ائتلاف بهره مند شوند.

با این حال، تشکیل یک ائتلاف قربانی محور با گروه‌های مختلف قربانی همیشه ممکن یا مناسب نیست. اگر گروه‌های قربانی از نظر فیزیکی از یکدیگر دور باشند یا به زبان‌های مختلف صحبت کنند، ممکن است برای دور هم جمع شدن، با مشکل مواجه شوند. سفر ممکن است دشوار باشد، و آنها ممکن است راه‌های ارتباطی امن یا قابل اعتمادی نداشته باشند (Rabinowitz, 2020: 25).

همچنین فعالیت ذیل اینگونه ائتلاف‌ها چالش‌هایی را نیز به همراه دارد. نخست اینکه کار به عنوان ائتلاف مستلزم سازش است. کار به عنوان یک ائتلاف مستلزم این نیست که اعضای ائتلاف در مورد همه چیز به توافق برسند، اما معمولاً آنها را ملزم می‌کند که در راستای اهداف مشترک خود مصالحه کنند. مصالحه کردن، بهویژه در مورد مسائلی که به عدالت، آسیب و بھبودی مربوط می‌شود، می‌تواند دشوار باشد. در برخی موارد منجر به تصمیماتی می‌شود که همه اعضای ائتلاف از آنها حمایت نمی‌کنند. اختلافات و تنش‌ها بین گروه‌های قربانی می‌تواند گرد هم آوردن انجمان‌های مختلف ائتلاف‌های قربانی محور گرد هم آوردن انجمان‌های خود را به اشتراک است تا بتوانند تجربیات و دیدگاه‌های خود را به بگذارند. در برخی موارد ممکن است این گروه‌ها قبلاً با یکدیگر در تضاد بوده یا هرگز با هم کار نکرده یا ممکن است

به بزه‌دیده را با استفاده از سازوکارهای داخلی بیشتر از رسیدگی به پرونده در دادگاه بین‌المللی کیفری فراهم آورد.

۲-۲- ایجاد ائتلاف‌های پایدار با محوریت قربانیان
ائتلاف‌ها می‌توانند با گرد هم آوردن مهارت‌ها و تخصص‌های مختلف افراد در تصمیم‌گیری و فعالیت‌ها، بستری را برای توسعه راه حل‌های خلاقانه برای مشکلات پیچیده فراهم کنند. ائتلاف‌ها همچنین ممکن است به عنوان منبع حمایت و همبستگی متقابل عمل کنند. در برخی موارد، آن‌ها حتی ممکن است با افزایش تعداد گروه‌هایی که روی یک موضوع کار می‌کنند و اجازه می‌دهند افراد و گروه‌ها به طور ناشناس از طریق ائتلاف در ارتباط باشند، امنیت را به اعضاء ارائه می‌دهند. ائتلاف‌های محلی، منطقه‌ای، ملی یا فراملی می‌توانند برای رسیدگی به یک هدف مشترک خاص تشکیل شوند، پس از آن منحل شوند، یا می‌توانند برای بسیج اقدامات پایدار در یک دوره زمانی طولانی تر باقی بمانند. آن‌ها همچنین می‌توانند از نظر ساختار بسیار متفاوت باشند، از سازمان‌های رسمی که دارای دفتر مرکزی و کارکنان هستند تا وابستگی‌های غیررسمی تر و انعطاف‌پذیرتر که اغلب به گروه‌های علاقه‌مند داوطلب متقی است (Martlew, 2020: 25).

در زمینه پیشبرد عدالت و پاسخگویی در قبال جنایات، ایجاد ائتلاف قربانی محور سه مزیت خاص را ارائه می‌دهد: نخست اینکه اگر انگیزه‌ای برای اجرای عدالت پس از جنایات توسط نهاد حاکمیتی وجود نداشته باشد، تشکیل یک گروه قربانی با سایرین در جامعه و پیوستن به گروه‌های دیگری که این جرایم را تجربه کرده‌اند، می‌تواند نادیده گرفتن صدای آنها را برای حاکمان دشوارتر کند.

دوم اینکه تشکیل ائتلاف‌ها می‌تواند اهداف مشترک را هماهنگ کند. پس از تصمیم به اجرای یک فرآیند عدالت، باید تعیین شود که چه اقدامات خاصی اتخاذ گردد و چگونه آنها اجرا شوند. برای مؤثر بودن، این اقدامات باید بر اساس خواسته‌های افراد آسیب‌دیده باشد. با این حال، تصمیم‌گیرنده‌گان همیشه با افراد آسیب‌دیده مشورت نمی‌کنند، و زمانی که این کار را انجام می‌دهند، انجام راه حل‌هایی که

نتیجه‌گیری

اکثر ناظران اذعان دارند که اعمال اقدامات عدالت ترمیمی در برابر جنایات بین‌المللی هنوز در مرحله اکتشافی است و اطلاعات بیشتری در مورد کاربرد و عملکرد آنها مورد نیاز است. اجرای موققیت‌آمیز برنامه‌های عدالت ترمیمی مستلزم ابتکارات راهبردی و نوآورانه‌ای است که بر همکاری دولتها، جوامع، سازمان‌های غیردولتی، قربانیان و مجرمان بنا شده است. علاوه بر برنامه‌های جدید، ساختارها و فرآیندهای عدالت موجود ممکن است برای ترکیب عناصر عدالت ترمیمی تطبیق داده شوند.

برخی از نتایج فرآیندهای عدالت ترمیمی می‌تواند شامل موارد زیر باشد: عذرخواهی. توافقات/تعهدات شفاهی و/یا کتبی؛ وعده‌هایی در مورد رفتار آینده؛ استرداد/غرامت یا خدمات اجتماعی با این حال، تعریف نتایجی که از طریق فرآیند ترمیمی به دنبال خواهند بود، بسیار پیچیده‌تر از انتخاب تعدادی از فهرست بالا است. در نهایت می‌توان گفت عدالت ترمیمی در مسیر حل و جبران خسارت قربانیان، صلح و سازش درباره جرایم مربوط به نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت هنوز بسیار نوپاست. اما با توجه به همه برنامه‌های ترمیمی و توصیه‌های بین‌المللی باز جای یک برنامه جامع و کامل که توسط سازمان‌های حقوق بشری انجام شود خالی است. بنابراین ارکان سازمان ملل و سازمان‌ها و نهادهای مردمی و حتی دولتها باید در مسیر تحقیق عدالت ترمیمی در نسل‌کشی و جنایت علیه بشریت گام بردارند.

ملاحظات اخلاقی: ملاحظات اخلاقی در این پژوهش رعایت شده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندها: این پژوهش، توسط نویسنده نخست نگارش یافته و توسط سایر نویسنده نظارت شده است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که در تهیه این مقاله ما را یاری رسانده‌اند سپاس‌مندیم.

دیدگاه‌های آشتی‌نایزی متفاوتی داشته باشند. کار با یکدیگر در آن شرایط، حتی اگر گروه‌های قربانی اهداف مشترک یا مشابهی برای عدالت و پاسخگویی داشته باشند، ممکن است به سادگی امکان‌پذیر نباشد.

دوم اینکه کار به عنوان یک ائتلاف ممکن است مخاطره‌آمیز باشد. در برخی زمینه‌ها، گروه‌ها یا ائتلاف‌ها باید نزد مقامات محلی یا ملی ثبت نام کنند؛ شرطی که ممکن است برای گروه‌ها یا ائتلاف‌هایی که می‌خواهند دولت خود را بازخواست قرار دهند، خطرناک باشد. گروه‌های قربانی که در حال بررسی تشکیل گروه خود به این خطرات فکر کرده باشند، اما ارزیابی مجدد آنها هنگام تشکیل ائتلاف مهم است.

۳-۲- تأکید بر مفهوم بخشش

بخشش، عنصر اصلی عدالت ترمیمی، برای تشفی خاطر قربانی ضروری است. بدون بخشش، تلخی و میل به انتقام غالباً شخص را اسیر می‌کند و مانع از تشفی او و در نتیجه خروج از چرخه خشونت می‌شود. بنابراین بخشش و سیله قربانی برای رها کردن قدرتی است که ممکن است بر مجرم داشته باشد. در این معنی، بخشش نیروبخش و شفابخش است و موجب تحصیل حاصل. بدون آن، درگیری، از طریق چرخه خشونت و انتقام، اجازه ادامه یافتن دارد. بنابراین، بخشش برای ترویج پایان دادن به درگیری، با قطع چرخه‌های انتقام که واکنش‌های بشری به بی‌عدالتی در جهان امروز است، ضروری است.

نظام عدالت سنتی بخشش را ترویج نمی‌کند. در واقع، چنین سیستم‌هایی تشویق می‌کند که به بی‌عدالتی با زور یا خشونت پاسخ دهند. در نتیجه، چنین سیستم‌هایی باعث پایان دادن به درگیری نمی‌شوند و به پایان دادن به جنایات و درگیری‌های بین‌المللی کمک نمی‌کند. در جرایم شدیدی مانند نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت، تقاضای بخشش از سوی مجرم و پذیرش آن از سوی قربانی می‌تواند به سریع‌ترین وجه، رضایت خاطر قربانیان را به جای ورود به یک فرایند طولانی مدت تأثراً نگیز فراهم آورد.

- Vanness, D & Heet, K (2013). *Restorative justice; an introduction to restorative justice.* 21th ed., UK: Routledge.

- Zehr, H & Mika, H (2003). *Restorative justice critical issues.* UK: Gorden Hughes Sage.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین یا تخصیص اعتبار مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۸۸). آین دادرسی کیفری. جلد اول، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.

- دونوون و دوروزل (۱۳۵۴). مبانی و مقدمات تاریخ روابط بین‌الملل. ترجمه احمد میرفندرسکی، چاپ اول، تهران: حسینیه ارشاد.

- رهامی، محسن (۱۳۸۵). «زمینه‌های عدالت ترمیمی در حقوق ایران». مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۷۴:

- زهر، هوارد (۱۳۸۸). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.

- شیری، عباس (۱۳۸۵). «فرایندهای عدالت ترمیمی». مطالعات پیشگیری از جرم، ۱: ۱۷-۵۴.

- عزیزی، ستار (۱۳۸۶). «حمایت از حق موجودیت اقلیت‌ها در پرتو مجازات مرتكبان ژنوسید در رویه قضایی بین‌المللی». فصلنامه حقوق، ۳۷(۴): ۱۲۵-۱۶۰.

- نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۲). «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی». مجله الهیات و حقوق، ۹-۳: ۳۸-۱۶۰.

ب. منابع انگلیسی

- Mankel, C (2007). *Restorative Justice: What is it and Does it Work.* Washington: Georgetown Univercity

- Martlew, N (2020). *Creative Coalitions: A Handbook for Change.* Available at: <https://crisisaction.org/Handbook/contents>.

- Rabinowitz, Ph (2020). *Choosing Strategies to Promote Community Health and Development.* Kansas: The Community Toolbox.